

Inter-regional and intra-regional disparities are a major problem in the regional development of developing countries. These inequalities are the result of polar growth policies and these inequalities are contrary to the principles of sustainable, balanced and justice-oriented development. The main concern of these countries has always been to achieve a balanced development. Contrary to regional development policies in Iran Based on reducing the gap between different regions and creating a balance in regional development, there are still some regions and districts They suffer from a lack of basic services and facilities. The purpose of this study was to investigate the effect of social and cultural gaps caused by unbalanced development In the Makran coastal area, a researcher-made questionnaire is designed and then calculated Reliability and its narrator among the statistical sample of 484 women and men living in Makran region with 88761 people was distributed. Keywords: Social and cultural gaps, unbalanced development, Makran coastal region

## بررسی میزان اثر شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی ناشی از توسعه نامتوازن

حسن حاجی زاده میشی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۴

مجیدرضا کریمی (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup>

کرامت الله راسخ<sup>۳</sup>

چکیده

نابرابری‌های بین منطقه‌ای و درون منطقه‌ای، به‌عنوان مشکلی بزرگ در توسعه منطقه‌ای کشورهای در حال توسعه وجود دارد. این نابرابری‌ها از نتایج سیاست‌های رشد قطبی به شمار می‌رود و این نابرابری‌ها مخالف اصول توسعه پایدار و متوازن و عدالت محور است. دغدغه اصلی این کشورها، همواره رسیدن به یک توسعه متعادل بوده است. برخلاف سیاست‌های توسعه منطقه‌ای در ایران که بر اساس کاهش شکاف میان مناطق مختلف و ایجاد تعادل در توسعه منطقه‌ای، هنوز هم برخی مناطق و نواحی از کمبود خدمات و تسهیلات پایه‌ای رنج می‌برند. هدف از پژوهش حاضر بررسی میزان اثر شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی ناشی از توسعه نامتوازن در منطقه سواحل مکران است که بدین منظر پرسشنامه محقق ساخت طراحی و پس از محاسبه میزان پایایی و روای آن در میان نمونه آماری که تعداد ۴۸۴ نفر از کلیه زنان و مردان ساکن در منطقه مکران با تعداد ۸۸۷۶۱ نفر است توزیع شد. در قسمت آمار استنباطی، ابتدا پایایی که شامل ضریب بارهای عاملی، آلفا کرونباخ، پایایی ترکیبی و روایی همگرا شامل میانگین واریانس استخراج شده و روایی و اگر شامل روش فورنل ولارکر مورد بررسی قرار گرفت در ادامه به برازش مدل ساختاری از طریق معیار  $R^2$  و معیار  $Q^2$  بررسی شد و در نهایت به بررسی برازش کلی مدل از طریق معیار GOF پرداخته شد. روایی پرسشنامه توسط اساتید و پایایی آن با توجه به الفای کرونباخ مورد تایید قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد سیاست‌های برنامه‌ریزی، نظام بودجه‌بندی، ساختار اداری، سرمایه‌گذاری و سیاست‌های جمعیتی بر شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی ناشی از توسعه نامتوازن در منطقه سواحل مکران اثرگذار است.

کلیدواژه‌ها: شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی، توسعه نامتوازن، منطقه سواحل مکران

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی، گروه علوم اجتماعی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی

<sup>۲</sup> دکتری جامعه شناسی سیاسی، استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی

<sup>۳</sup> دکتری جامعه شناسی سیاسی، دانشیار گروه علوم اجتماعی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی

نابرابری‌های بین منطقه‌ای و درون منطقه‌ای، به‌عنوان مشکلی بزرگ در توسعه منطقه‌ای کشورهای درحال توسعه وجود دارد. این نابرابری‌ها از نتایج سیاست‌های رشد قطبی به شمار می‌رود و این نابرابری‌ها مخالف اصول توسعه پایدار و متوازن و عدالت محور است. دغدغه اصلی این کشورها، همواره رسیدن به یک توسعه متعادل بوده است. برخلاف سیاست‌های توسعه منطقه‌ای در ایران که بر اساس کاهش شکاف میان مناطق مختلف و ایجاد تعادل در توسعه منطقه‌ای، هنوز هم برخی مناطق و نواحی از کمبود خدمات و تسهیلات پایه‌ای رنج می‌برند.

#### طرح مسئله

باوجود سابقه چند صدساله برای واژه «رشد» در ادبیات اقتصادی، پیشینه مفهوم «توسعه» به بعد از جنگ جهانی دوم و عمدتاً دهه ۱۹۵۰ میلادی برمی‌گردد. ضرورت بازسازی و ایجاد رفاه در کشورهای دیگر جنگ از یک‌سو و نوسازی و پیشرفت در کشورهای رهاشده از استعمار از سوی دیگر، در خلق این مفهوم و ترویج آن مؤثر بوده است (جرالد میر، ۱۹۸۴: ۳۹). از این رو باانگیزه‌های متفاوت، «توسعه» به‌عنوان یک هدف در برنامه‌های اقتصادی اکثر کشورها از «ایران» جمله مورد پیگیری قرار گرفت.

پدیده «توسعه‌خواهی» در نیم‌قرن گذشته، همواره از تحول لازم در جهت تکامل برخوردار بوده است. به‌طوری‌که این تطور را می‌توان در سه دوره زمانی: دوره اول از ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۵، دوره دوم ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۵ و دوره سوم از ۱۹۹۵ تاکنون تقسیم‌بندی کرد (ژوزف استگلیتز، ۱۹۹۹: ۸۷).

در دوره نخست (۱۹۷۵-۱۹۵۰)، علت توسعه‌ناپاافتگی کشورهای جهان سوم، با نظریه (نورکس ۱۹۵۴)، و پدیده دور باطل فقر تحلیل می‌گردید. راه خروج از این تسلسل و دستیابی به «توسعه»، انباشت سرمایه و تحصیل رشدی در حد ۵ تا ۷ درصد در اقتصاد معرفی می‌شد. از این رو در جهت تحقق چنین رشدی در اقتصاد، مدل‌های رشد متوازن با نظریه روزنشتاین-رودن (۱۹۵۷) و رشد نامتوازن آلبرت هریشمن (۱۹۵۸) و نیز مدل حداقل تلاش بحرانی از سوی لیبین اشتاین (۱۹۸۶) مطرح گردید. اما چون مردم کشورهای دست‌یافته به این رشد، ضمن گذر از دور باطل با پدیده دیگری با عنوان «فاصله طبقاتی» در درآمد و مصرف مواجه شدند، از این رو نسل دوم نظریه‌پردازان توسعه از مفهوم کامل‌تری برای «توسعه» استفاده نمودند و آن رشد اقتصادی همراه با توزیع عادلانه بود که عمدتاً در دوره ۱۹۹۵-۱۹۷۵ مورد تأکید قرار گرفت. اما از سال ۱۹۹۵ به بعد و در پی ارائه برداشت‌های متفاوتی از توسعه توسط برخی از نظریه‌پردازان شرقی همچون آمارتیا سن (۱۹۸۱، ۱۹۸۵، ۱۹۹۳)

و (۱۹۸۳)، اقتصاددان شهیر هندی جایزه نوبل سال ۱۹۹۸ و همچنین ملتاھی (۲۰۰۲)، فلائیو (۲۰۰۱)، فوکودا (۲۰۰۲) مدل جدید از توسعه را به‌عنوان توسعه انسانی مطرح گردید.

در برداشت جدید از توسعه استدلال می‌شود که نه فقط رشد اقتصادی و تولید ثروت، حتی توزیع عادلانه ثروت نیز به‌تنهایی تأمین‌کننده زمینه رفاه و خوشبختی انسان‌ها و فراهم‌کننده «توسعه» در جوامع بشری نیست، به‌طوری‌که انسان‌ها با توجه به ثروتمند بودن می‌توانند احساس بدبختی و عدم رفاه داشته باشند (آناند، ۲۰۰۴: ۲۸). از نظر آمارتیا سن، توسعه برای شکوفایی قابلیت افراد با ابتناء به آزادی شکل می‌گیرد. و اساساً توسعه به‌مثابه آزادی است (محمودی، ۱۳۸۲: ۶۶). بحث از توازن و یا عدم توازن الگوهای توسعه، گرچه، در ظاهر امر، دارای قدمتی شصت‌ساله است، از ابتدای شکل‌گیری سرمایه‌داری به‌عنوان شیوهی مسلط تولیدی همواره و به انحای مختلف مورد بحث و جدال متفکران مدرن بوده است. این به آن معنا نیست که اندیشمندان در تمدن‌های سنتی یکسره نسبت به موضوع توازن بی‌توجه بوده‌اند (اسمیت، ۱۳۵۷: ۲۸۰)، ولی، مهم‌ترین بستری که در ضمن آن «مسئله‌ی توازن» برای متفکران متقدم غربی به نحو معناداری وجه کانونی می‌یافت، بروز عملی عدم توازن گسترده از ابتدای نضج‌گیری سرمایه‌داری در اروپا و آمریکا بود. به‌عبارت‌دیگر درهم‌ریختگی اجتماعی و بروز شکاف اقتصادی گسترده که در طول چند سده بعد از ظهور سرمایه‌داری همواره دامن‌گیر جوامع اروپایی و آمریکایی بود، مهم‌ترین بستر معناداری و ارتقا یافتگی «مسئله‌ی توازن» در بطن اندیشه‌ی متفکران غربی نسبت به متفکران سنتی قلمداد می‌شود.

با این حال اندیشمندان مدرن به علل مختلفی درگیر مسئله‌ی عدم توازن شدند و به همین خاطر کیفیت و نحوه‌ی پردازش فکری ایشان در این حوزه نیز در طیف قابل‌توجهی پراکنده شده است. آدام اسمیت مطابق با ادبیات علمی عصر خویش با تأکید بر وجود دوگانگی میان بخش‌های مولد و غیرمولد اقتصادی (توکلی نیا و شالی، ۱۳۹۱: ۱۵) و هم‌چنین عدم توازن بین کشورهای پیشرفته و عقب‌مانده (عربشاهی و جباری، ۱۳۹۴: ۴۷) سهم بسزایی در شکل‌گیری این ادبیات سترگ ایفا کرده است. در همین دوره و در پی فروپاشی تدریجی فئودالیسم شهرها پدیدار شده بودند و عدم توازن مابین شهرهای جدید و شهرهای سنتی یکی از موضوعات مورد توجه روشنفکران اجتماعی بود. بعدها همین دو موضوع و دلالت‌های آن در الگوهای نوظهور توسعه در قرن بیستم محملی برای عرض‌اندام توصیه‌های اقتصادی به کشورهای در حال توسعه بود.

مفهوم شکاف در زمره مقوله‌ی تمایزات و تفاوت‌های تجربی و پایدار میان دو جریان، دو رفتار و غیره معنا می‌شود. تمایزات و تفاوت‌هایی که به شکل دوئالیستیکی اولاً در تقابل‌های سیاسی-اجتماعی بروز پیدا می‌کند و دیگر اینکه در یک ساختار اجتماعی، فرهنگی و تاریخی، خاصی خود را نمایان می‌سازند (شکاف سنت و مدرنیسم، شکاف نسلی و شکاف طبقاتی

و...). در توضیح و ویژگی این تمایزات اینک، واحدهای نسلی به‌رغم تجربیات متفاوت و حتی متضاد باهم، در یک کلیت فرهنگی-اجتماعی خاص و با پیوستگی‌های کلان به یک ساختار مشخص به تعامل (توافق یا تعارض) با یکدیگر می‌پردازند (ارجمندی و همکار، ۱۳۹۲: ۳۰).

رویکردهای موجود به مقوله‌ی روابط نسلی ابعاد متعدد و متنوعی است. چنان‌که می‌توان شکاف‌های، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و معرفتی و ... جامعه را در قالب‌هایی چون شکاف میان سنت و مدرن، شکاف میان گفتمان مسلط و مقتضیات زمانه، شکاف میان حاکمیت و مردم، شکاف میان فقیر و غنی، شکاف میان تقاضای نسل جوان و نسل گذشته یا حتی شکاف میان منطقه توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته به تصویر کشید (تاجیک، ۱۳۸۱: ۲۶۵). شکاف نسلی زمانی شروع می‌شود که آهنگ تغییر جامعه شدت گیرد. البته این شتاب در ایران محصول سازوکاری درون‌زا نبوده بلکه محصول برخورد نظام اجتماعی نابرابری‌های بین منطقه‌ای و درون منطقه‌ای، به‌عنوان مشکلی بزرگ در توسعه منطقه‌ای کشورهای در حال توسعه وجود دارد. این نابرابری‌ها نتایج سیاست‌های رشد قطبی است و مخالف با اصول توسعه پایدار و متوازن و عدالت محور (عارقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۱). برخلاف سیاست‌های توسعه منطقه‌ای در ایران که بر اساس کاهش شکاف میان توسعه مناطق مختلف و ایجاد تعادل در توسعه منطقه‌ای است، هنوز هم برخی مناطق و نواحی از کمبود خدمات و توسعه نامتوازن رنج می‌برند.

توسعه نامتوازن به‌مثابه یکی از مهم‌ترین مشکلات فعلی کشورهای پیامدهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی منفی در ابعاد محلی و ملی به دنبال داشته است. دسترسی شهروندان مناطق مختلف به امکانات، تسهیلات و خدمات یکسان و ضرورت پیش‌گیری از بسترهای نامالایم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی - امنیتی به همراه ضرورت استفاده از توان‌های محیطی کشور در مناطق مختلف در راستای توسعه همه‌جانبه و متوازن ملی سبب شده است تا در دهه فعلی ضرورت توسعه مناطق مختلف بیش از گذشته احساس شود. در این راستا توسعه مناطق محروم که عمدتاً در مناطق پیرامونی و مرزی کشور قرار دارند، در دستور کار دولت و نهادهای ذی‌ربط قرار گرفته است.

اگرچه در چهارمین دهه از انقلاب اسلامی، وضعیت غالب مناطق کشور قابل‌مقایسه با قبل از انقلاب نیست اما همچنان در بسیاری از مناطق، شهروندان از خدمات مناسبی برخوردار نیستند و همین موضوع مشکلات جدیدی را به وجود آورده که در یک چرخه باطل، هم منجر به بازتولید توسعه‌نیافتگی در این مناطق شده و هم مشکلاتی را برای دولت به وجود آورده است. در میان این مناطق، جنوب شرق کشور وضعیت منحصر به فردی دارد. این

منطقه به‌رغم گستردگی خود از خست اقلیمی و انزوای جغرافیایی رنج می‌برد (قنبری، ۱۳۹۳: ۱۲).

در درون منطقه مکران که استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان و کرمان یعنی منطقه ۹ آمایشی کشور را دربرمی‌گیرد، غالب شاخص‌های توسعه وضعیت مناسبی ندارند، به‌گونه‌ای که اگر شهرهای شمالی و بزرگ استان کرمان و مرکز و غرب هرمزگان را مستثنا کنیم، این منطقه محروم‌ترین و عقب‌مانده‌ترین منطقه کشور است. محرومیت این منطقه در حالی است که به‌رغم محدودیت‌های محیطی و خست اقلیمی، به دلیل مجاورت با دریای عمان، اقیانوس هند و همسایگی با کشورهای جنوب آسیا و همچنین گستردگی خود قابلیت‌های بالقوه اقتصادی فراوانی دارد که می‌تواند مبنای توسعه همه‌جانبه این منطقه قرار گیرد و علاوه بر بهبود وضعیت منطقه، به توسعه ملی نیز کمک کند. از این‌رو ظرفیت‌های نهفته در این منطقه، تلاش برای رفع محرومیت‌های موجود و برخی سیاست‌های راهبردی مانند تلاش برای کاستن از وابستگی ایران به خلیج فارس، سبب شده است در سالیان اخیر توسعه منطقه مکران در دستور کار دولت قرار گیرد. سوال اساسی تحقیق این است که میزان اثر شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی ناشی از توسعه نامتوازن در منطقه سواحل مکران چقدر است؟

تعریف مفاهیم نظری

#### مفهوم شکاف‌های اجتماعی

پیش از ورود به بحث اصلی الزام است که در ابتدا به مفهوم شکاف‌های اجتماعی بپردازیم. منظور از شکاف‌های اجتماعی عوامل گسستی است که جامعه را از نظر جمعیتی به چند گروه متفاوت تقسیم می‌کند (Lipset, 1967:98). و این گروه‌بندی‌ها ممکن است شکل‌ها و سازمان‌های سیاسی پیدا کند. به‌بیان‌دیگر، شکاف‌های اجتماعی خطوط رقابت و منازعه بر سر هنجارها، باورها، ارزش‌ها، شأن و منزلت، اقتدار و ... اجتماعی هستند (بشیریه، ۱۳۷۴: ۹۹). جوامع در حال گذار همچون ایران، استعداد بیشتری برای تولید شکاف دارند. این جوامع از طرفی وامدار شکاف‌های جامعه سنتی بوده و از طرف دیگر باردار شکاف‌های جامعه مدرن می‌باشند. بنابراین جامعه ایران، جامعه‌ای سنت با تعدد و تراکم شکاف‌های اجتماعی که شکاف قومی را از جامعه سنتی، و شکاف‌های نسلی، جنسیتی و طبقاتی را از جامعه مدرن برای بررسی انتخاب کردیم.

شکاف قومی

به وجود گسست بین قومیت‌ها و سایر جمعیت در چهار حوزه مذهب، زبان، آداب قومی و حافظه تاریخی اشاره دارد. بر پایه این چهار شاخص کلیدی، اقوام ترک، کرد، لر، بلوچ، ترکمن و عرب، دست‌کم دریکی از شاخص‌ها با اکثریت فارس زبان مشترک نیستند. یکی از مسائلی که با شکاف قومی هم‌افزایی دارد، سطح پایین توسعه در استان‌های قومیتی نسبت به سایر استان‌های کشور است که از آن تحت عنوان شکاف منطقه‌ای یاد می‌شود. آمارهای موجود و مطالعات گسترده محققان در سالیان گذشته نشان داده که کشور از عدم تعادل فضایی و وجود شکاف منطقه‌ای رنج می‌برد و استان‌های محروم و نسبتاً محروم، تقریباً همان مناطقی هستند که شکاف قومی در آنجا وجود دارد. این یعنی تراکم شکاف قومی و شکاف منطقه‌ای (همان: ۱۲۱).

### ۳. پدیده شکاف نسلی

به چگونگی تداوم فرهنگ یک جامعه از نسلی به نسل دیگر مربوط می‌شود. اگر در فرآیند اجتماعی کردن کودکان، نوجوانان و جوانان، فرهنگ یک جامعه تا حد مطلوبی از نسلی به نسل دیگر منتقل شود، و بازتولید فرهنگی به نحو احسن انجام پذیرد، میزان اشتراک فرهنگی بین دو نسل بسیار بالا می‌رود و اختلاف فاحشی بین دو نسل به وجود نمی‌آید. در مقابل، اگر فرآیند اجتماعی کردن به علل داخلی و خارجی دچار مشکل شود و به‌طور ناقص انجام پذیرد، و فرهنگ جامعه در حد مطلوبی به نسل بعد منتقل نشود، تداوم فرهنگی جامعه دچار مشکل می‌شود و بین نسل جدید و قدیم فاصله و شکاف می‌افتد. معمولاً فاصله نسلی به اختلافات مهم بین دو نسل در تجربه، ارزش‌ها هنجارها، به‌طور کلی به اختلاف و شکاف فرهنگی قابل توجه بین دو نسل گفته می‌شود. مثلاً فاصله نسلی را فرهنگ آکسفورد، اختلاف در نگرش یا نبودن تفاهم و درک متقابل بین جوانان و افراد مسن تعریف کرده است (Oxford, 1998: 2). مؤلفه‌های متعددی در تشخیص هرگونه شکاف یا گسست نسلی قابل مشاهده است، از جمله موارد کاهش ارتباط کلامی میان نسل بالغ و جوان، اختلال در فرآیند همانندسازی و عدم تبعیت کامل فرزندان از ولدین، تغییر گروه مرجع جوانان، کاهش فصل مشترک‌های عاطفی میان نسلی، عدم تعهد به فرهنگ نسل پیشین، نابردباری و کاهش تسامح، تساهل و تحمل میان نسل‌ها.

### ۴. رشد متوازن و نامتوازن

برخی از اقتصاددانان توسعه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به منظور افزایش درآمد سرانه کشورهای در حال توسعه و در نهایت دست‌یابی آنها به توسعه اقتصادی، روش‌ها و الگوهای مختلفی را ارائه کردند. نظریه‌های ارائه شده در این خصوص به دو دسته کلی تحت عناوین نظریه رشد متوازن و نظریه رشد نامتوازن تقسیم گردیده است. این دو نظریه

در شرایطی مطرح شده اند که قدرت در دست دولت بود و اغلب بر این باور بودند که توسعه تنها توسط دولت امکان پذیر است. به همین دلیل (تأکید بر نقش دولت) از دهه ۱۹۸۰ به بعد دو نظریه رشد متوازن و نامتوازن به چالش کشیده شد (پاپلی یزدی، ۱۳۸۱: ۵۴-۵۸)

پیشینه موضوع و نوآوری

نظریه رشد متوازن

نظریه رشد متوازن در اوایل دهه ۱۹۵۰ توسط روزن اشتاین — رودن، نورکس و نلسون مطرح شد. این نظریه بر پایه وجود صرفه جویی های خارجی و وابستگی یا پیوند متقابل بین بخش های مختلف اقتصادی شکل گرفت. منظور از صرفه جویی خارجی مجموعه منافعی است که به طور ناخواسته در اثر فعالیت (تولیدی و یا مصرفی) یک فرد یا یک گروه و یا یک بنگاه، نصیب فرد یا گروهی می شود که در آن فعالیت هیچ نقشی ندارند.

در واقع صرفه جویی های خارجی، تولیدات فرعی ناخواسته و یا اثرات جانبی مثبت حاصل انجام برخی فعالیت های مشخص اقتصادی است که در این رهگذر به طور ناخواسته نصیب سایر بخش های جامعه می شود. طرفداران نظریه رشد متوازن معتقدند که برای رهایی اقتصاد جوامع در حال توسعه از رکود و فقر باید تلاش همه جانبه ای در کلیه بخش های اقتصادی صورت گیرد و این امر زمینه رشد سایر بخش ها و افزایش قدرت تولیدی آن ها را فراهم می آورد.

براساس نظریه رشد متوازن برای رهایی از دایره فقر و عقب ماندگی باید سرمایه گذاری های وسیعی به طور همزمان در بخش های مختلف اقتصادی انجام شود تا این بخش ها با ایجاد تقاضا برای تولیدات یکدیگر، بازار لازم برای جذب محصولات همدیگر را فراهم آورند. در این نظریه نقش بازار و وجود تقاضا برای کالاها از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا انگیزه هرگونه سرمایه گذاری به ویژه در بخش خصوصی، وجود بازار مناسب و تقاضای کافی برای محصولات تولیدی است. در ادامه نظریات، روزن اشتاین — رودن، نورکس و نلسون بررسی می شود.

نظریه رشد نامتوازن

پس از سپری شدن دهه ۱۹۵۰ مشاهده گردید که علی رغم به کارگیری استراتژی رشد متوازن، نرخ رشد کشورهای در حال توسعه هم چنان پایین بود. به همین دلیل نظریه رشد متوازن مورد انتقاد قرار گرفت و زمینه برای مطرح شدن نظریه رشد نامتوازن مهیا گردید. منتقدین نظریه رشد متوازن براین عقیده اند که با توجه به مشکل کمبود سرمایه کشورهای



در حال توسعه، توسعه اقتصادی مبتنی بر رشد متوازن که نیازمند سرمایه‌گذاری‌های وسیع و در همه بخش‌های اقتصاد است، به سرانجام نمی‌رسد. به علاوه، با اجرای همزمان سرمایه‌گذاری‌ها و طرح‌های مختلف مشکل برنامه‌ریزی به وجود می‌آید و ممکن است در اثر اشتباه در برنامه‌ریزی و تخصیص نادرست منابع، بسیاری از منابع تلف شوند. از این رو، می‌بایست سرمایه‌های موجود در دسترس را به بخش‌ها یا صنایعی اختصاص داد که بتوانند نقش لوکوموتیو را برای سایر بخش‌ها یا صنایع ایفا کنند. بدین معنا که زیر بناها و زمین‌های لازم برای سرمایه‌گذاری در بخش‌ها یا صنایع دیگر، توسط منافع حاصل از سرمایه‌گذاری در بخش‌ها و صنایع پیش‌تاز یا منتخب فراهم شود و ازین طریق صرفه‌جویی‌ها و توسعه اقتصادی به دست آید.

اقتصاددانانی چون سنیگر، کیندل برگر، هیرشمن، استرین و روستو، از پیروان نظریه رشد نامتوازن هستند. البته برخی دیگر از اقتصاددانان مانند لویس و میردال با توجه به نظریاتشان گویی از طرفداران این نظریه هستند. چرا که لویس با ارائه نظریه "عرضه نامحدود نیروی کار"، صنعت را به عنوان موتور توسعه در نظر می‌گیرد و برعکس او، میردال، حل دو مشکل اشتغال و توسعه نیافتگی را در گرو حل مسائل کشاورزی می‌داند. به هر حال در میان افراد نامبرده، هیرشمن اولین اقتصاددانی است که نظریه رشد نامتوازن را در اواخر ۱۹۵۰ به طور سیستماتیک در کتاب خود با عنوان "استراتژیک توسعه اقتصادی" بیان کرده است. از این رو، در اینجا به ارائه نظرات وی اکتفا می‌شود.

#### منطقه مورد مطالعه

استان سیستان و بلوچستان در موقعیت ۲۵ درجه و ۳ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۹ دقیقه عرض شمالی، و ۵۸ درجه و ۴۷ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۱۹ دقیقه طول شرقی قرار گرفته است. وسعت آن ۱۸۷۵۰۲ کیلومتر مربع است، که ۸۱۱۷ کیلومتر مربع آن مربوط به سیستان و ۱۷۹۳۸۹ کیلومتر مربع آن متعلق به بلوچستان است. این استان، ۱۱ درصد کل مساحت کشور را در بر می‌گیرد و یکی از کم‌تراکم‌ترین استان‌های کشور به لحاظ جمعیتی است. این استان با داشتن حدود ۳۰۰ کیلومتر مرز آبی و ۱۸۰۰ کیلومتر مرز خاکی، از شمال به خراسان و افغانستان، از غرب به کرمان، از جنوب به دریای عمان و از مشرق به پاکستان و افغانستان محدود می‌شود. این استان دارای ۷ شهرستان، است که مجموعاً ۲۹ بخش، ۱۶ شهر، ۹۲ دهستان و ۶۰۳۸ آبادی دارای سکنه را در بر می‌گیرد. (فصلنامه مطالعات ملی، ۱۳۸۱)

بر اساس آمار ۱۳۸۲، جمعیت استان ۲.۲۱۹.۰۰۰ نفر بوده که جمعیت شهرنشین ۴۸.۲ درصد آن را تشکیل می‌داد. با توجه به ثرم کشوری جمعیت شهری، یعنی متوسط ۶۴.۸، این درصد

بسیار پایین است. میزان باسوادی جمعیت ۶ سال به بالا، ۶۸.۰۱ درصد و شاخص با سوادی در نقاط شهری و روستایی، به ترتیب ۷۶.۳۷ و ۵۹.۶۸ است. (سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۸۵) پیشه عمده ساکنان منطقه، کشاورزی و دامداری است لیکن به دلیل مشکلات طبیعی، ضعف تکنیکی، کمبود سرمایه و به علاوه رشد شتابان جمعیت، بسیاری از روستاییان که از تامین حداقل معاش بازمانده‌اند به شهرها می‌آیند، یا به سمت قاچاق مواد مخدر می‌روند، یا راهی شیخ‌نشین‌های حاشیه خلیج فارس می‌شوند تا کاری پیدا کنند. با نرخ رشد جمعیت ۲.۲۵، این استان بالاترین نرخ رشد جمعیت را در کل ایران دارد. از لحاظ جمعیت، با داشتن ۳.۱ درصد کل جمعیت کشور، رتبه دهم را به خود اختصاص داده است. شهرستان‌های استان، شامل زاهدان، زابل، خاش، سراوان، ایرانشهر، نیکشهر، سرباز و چابهار و زاهدان مرکز استان است. استان سیستان، پهناورترین استان ایران با ۱۱.۴ درصد کل مساحت کشور به حساب می‌آید.

#### چارچوب نظری و مدل تحقیق

در این بخش مجموعه‌ای از آرا بطور اختصار که منجر به توسعه نامتوازن شده و در سایر مقالات و کتب مورد توجه قرار گرفته‌اند بعنوان راهنمای تحقیق آورده شده و مدل تحقیق بر مبنای آن تدوین می‌گردد.

عوامل سیاسی تاثیرگذار در روند توسعه:

#### ۱. نظام برنامه ریزی در ایران

تقریباً شش دهه از نظام برنامه‌ریزی توسعه در کشور می‌گذرد. یکی از اهدافی که به‌طور تلویحی در طول این شش دهه برنامه‌ریزی بدان اشاره شده، توجه به تعادل و توازن منطقی‌های در کشور بوده است؛ اما از مهم‌ترین چالش‌های نظام برنامه‌ریزی مرتبط با روند توسعه نامتوازن می‌توان به «ضعف تفکر برنامه‌ریزی منطقه‌ای»، «حاکمیت برنامه‌ریزی بخشی»، «ضعف بانک جامع اطلاعات و آمار» و «متمرکز بودن نظام برنامه‌ریزی» اشاره کرد. کارشناسان سازمان برنامه نیز در مصاحبه‌هایی که با آن‌ها توسط نگارنده انجام شده به این موضوع اشاره داشتند که «فقدان نگاه کلان و یکپارچه در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه در سطح مناطق کشور موجب شده تا بخشی‌نگری کلان در حوزه اجرایی و بهره‌مندی از منابع و امکانات غالب شده است و در این نظام بخشی‌نگر، استان‌ها در تهیه و تنظیم برنامه‌های توسعه کشور مشارکت جدی و سازمان‌یافته نداشته‌اند. برنامه‌های میان‌مدت با رویکرد بخشی‌جمع‌بندی می‌شوند. سهم استان‌ها و مناطق از منابع برنامه پس از تقسیم‌بندی منابع حاصل می‌شود» (اشتیاقی، ۱۳۹۳: ۵).

بودجه ریزی سنتی که مشخصه ساختار بودجه ریزی ایران است، ناقص و ناکارآمد است. در این روش، بیشتر بر هزینه ها یا داده ها تأکید می شود و ستاده‌ها کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند؛ اما صرفه جویی اقتصادی، پرهیز از موازی کاری و ارتقای کارآمدی از مزیت های مهم بودجه ریزی عملیاتی است. قبل از آن که بودجه، یکی از برنامه های کاری دولت تلقی شود، یک وسیله کنترل برای توزیع مجدد ثروت در دست مجلس است (به نقل از نوبخت، ۱۳۹۲: ۵).

### ۳. توسعه رویکرد مشارکتی

تأکید ساختار دولت در ایران بر تصدی گری و اجرای برنامه ها بدون در نظر گرفتن سطحی از جلب مشارکت بخش خصوصی و جامعه مدنی از آسیب هایی است که در ساختار دولت وجود دارد. در صورتی که دولت با توجه به محدودیت های منابع در بخش هایی چون نیروی انسانی و سرمایه ای، می-بایست ظرفیت درونی را برای بسیج منابع، مدیریت منابع و تعیین خط مشی ها در مسیر توسعه صرف نماید. همان گونه که در مصاحبه ها با کارشناسان و مدیران سازمان برنامه مشهود بوده است سازمان برنامه به عنوان متولی برنامه ریز از این لحاظ با مشکلات بی شماری مواجه است. از آنجایی که حکمرانی با کمترین جلب مشارکت بخش خصوصی و جامعه مدنی است لذا بستر تعامل نخبگان، سازمان ها و در کل کلیت ساختار دولت با بخش بیرون از دولت فراهم نیست این در تعارض با دولت با ظرفیت توسعه گرا است (فرجی راد، ۱۳۹۴: ۹۹).

### ۴. سرمایه گذاری

متأسفانه در ایران دولت مجری و نه هدایت گر برنامه ها است. بخش خصوصی در سرمایه گذاری طرح های تولیدی جایگاهی در برنامه های توسعه کشور ندارد زیرا سرمایه گذاری ها و ارزش افزوده طرح های این بخش صرفاً به عنوان باقی مانده در پیش بینی برنامه های توسعه به حساب آمده است. مکان یابی سرمایه-گذاری، تولید و اشتغال بخش خصوصی در پهنه سرزمین ایران، به جای تبعیت از برنامه های توسعه پنج ساله کشور یا استان تابع انتخاب های مکان یابی کارآفرینان و سرمایه گذاران بخش خصوصی است. تضمین مالکیت، امنیت، ایجاد فضای رقابتی از مواردی است که در استان های کمتر توسعه یافته می تواند مورد توجه بیشتر دولت قرار گیرد (نوبخت، ۱۳۸۸: ۸۱).

### ۵. سیاست های جمعیتی

نابرابری در امکانات از انجای مختلف موجب شده تا مهاجرت و تمرکز جمعیت در چند استان کشور بیش‌ازپیش رخ دهد که در طول زمان هم امکان بازتولید یافته است. تراکم بیش‌ازپیش جمعیتی در برخی شهرها موجب پدید آمدن پدیده نخست شهری شده که در نهایت پیامدهای منفی برای هم این مناطق و سایر مناطقی که ظرفیت‌های جذب جمعیت در آن‌ها کمتر دیده می‌شود به همراه داشته است. دولت به‌عنوان مهم‌ترین قدرت تنظیم‌کنندگی در عرصه سرزمینی باید از ظرفیت اجرایی، سیاست‌گذاری و توانایی در بسیج منابع استفاده کرده و معادلات فعلی که مشمول بازخورد مثبت شده را تغییر دهد. سیاست‌های تشویقی، حمایتی و توانمندسازی اجتماع محلی از اولین راهبردهایی است که در ساختار دولت می‌تواند لحاظ و عملیاتی شود (نوبخت، ۱۳۸۸: ۳۵).

#### فرضیه‌ها

۱. سیاست‌های برنامه ریزی در ایران بر شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی ناشی از توسعه نامتوازن در منطقه سواحل مکران تاثیرگذار است.
۲. نظام بودجه بندی بر شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی ناشی از توسعه نامتوازن در منطقه سواحل مکران تاثیرگذار است.
۳. ساختار اداری بر شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی ناشی از توسعه نامتوازن در منطقه سواحل مکران تاثیرگذار است.
۴. سرمایه گذاری بر شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی ناشی از توسعه نامتوازن در منطقه سواحل مکران تاثیرگذار است.
۵. سیاست‌های جمعیتی بر شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی ناشی از توسعه نامتوازن در منطقه سواحل مکران تاثیرگذار است.

#### روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش حاضر از نوع پیمایشی با هدف علی-تحلیلی است که در این پژوهش ابتدا با استفاده از روش کتابخانه‌ای به جمع‌آوری اطلاعات و مبانی نظری تحقیق می‌پردازیم و سپس با استفاده از روش پیمایش برپایه یک پرسشنامه محقق ساخت داده‌های تحقیق را از جامعه آماری جمع‌آوری می‌نماییم. جامعه آماری تحق حاضر کلیه زنان و مردان ساکن در منطقه مکران که تعداد آنها ۸۸۷۶۱ نفر است و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برابر با ۴۸۰ نفر تعیین شد که پرسشنامه در میان آنها توزیع می‌شود. به

منظور تجزیه و تحلیل داده از روش معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار PLS استفاده شده است.

سازماندهی

جدول ۱: متغیرهای زمینه ای

متغیر زمینه ای	فراوانی	درصد	میانگین
جنسیت مرد	۲۶۴	۰/۵۴	۳۰۰۰۰۰
زن	۲۲۰	۴۵/۰	
سن کمتر از ۲۵ سال	۱	۰	۳۰۰۰۰۰
۲۶-۳۵ سال	۱۰۵	۲۱/۰	
۳۶ تا ۴۵ سال	۲۱۴	۴۴/۰	
۴۵ به بالا	۱۶۴	۳۳/۰	
تحصیلات کمتر از دیپلم	۱۱	۲/۰	۳۰۰۶۴۰
دیپلم	۱۲۵	۲۵/۰	
لیسانس	۱۷۰	۳۵/۰	
فوق لیسانس و بالاتر	۱۷۸	۳۶/۰	
سمت مدیر	۳۶	۷/۰	۳۰۰۰۰۰
کارشناس	۱۵	۳/۱	
مالی	۱۲۷	۲۶/۰	
کارشناس ارشد	۲۵۴	۵۲/۰	
سایر	۵۲	۱۰/۰	

تحلیل آمار استنباطی داده‌های پژوهش

آزمون نرمال بودن

جهت بررسی نرمال بودن متغیرهای تحقیق از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده گردیده است. در صورتی که سطح معناداری از ۵ درصد بیشتر باشد متغیر نرمال می‌باشد؛ و اگر سطح معناداری کمتر از ۵ درصد باشد متغیرها نرمال نیستند.

جدول ۲: آزمون نرمال بودن

شکافهای فرهنگی اجتماعی سیاستهای جمعیتی سرمایه گذاری ساختار اداری  
نظام بودجه بندی سیاستهای برنامه ریزی متغیرها

Kolmogorov- Smirnov z	۱۴۸.	۱۵۴.	۱۹۰.	۱۹۹.	۲۴۶.	۱۶۷.
سطح معناداری	۰۰۰.	۰۰۰.	۰۰۰.	۰۰۰.	۰۰۰.	۰۰۰.

با توجه به اینکه سطح معناداری توزیع متغیرها کمتر از ۵ درصد (غیر نرمال) است پس باید از نرم افزار اسمارت پی ال اس برای تحلیل استفاده نمود چراکه این نرم افزار به نرمال و غیر نرمال بودن داده‌ها حساس است. مهم‌ترین دلیل برتری این روش، برای نمونه‌های کوچک ذکر شده است.

ضریب بارهای عاملی

ضریب بارهای عاملی: برای بررسی پایایی معرفها، از آزمون بار عاملی استفاده شده است که در این آزمون بار عاملی معرفها باید بالاتر از ۰/۴ باشد (سؤالاتی که بار عاملی کمتر از ۰/۴ دارند باید حذف شوند مگر این که آن سؤال با سؤالات دیگر روایی همگرایی زیادی داشته باشد در این صورت محقق مجاز به حذف سؤال نیست).

شکل ۲: ضریب بارهای عاملی اولیه معرفهای پژوهش

در صورتی که پس از اجرای مدل، به سؤالاتی با بار عاملی کمتر از ۰/۴ برخوردیم، مجبور به حذف آن سؤال

هستیم تا بررسی سایر معیارها تحت تأثیر آن قرار نگیرد. دلایل زیادی ممکن است باعث پیش آمدن این مشکل شوند از جمله نگارش نامناسب و نامفهوم سؤالات، پاسخ دادن سراسری و بدون دقت افراد به پرسشنامه‌ها، تعداد اندک افراد پاسخ‌دهنده و ... در این موارد باید سؤالاتی را که دارای بار عاملی کمتر از ۰/۴ می‌باشند از پژوهش حذف شوند. در این پژوهش معرف‌های Q41, Q47, Q50, Q25, Q34, Q40 باید از مدل حذف شوند که دارای بار عاملی کمتر از ۰/۴ می‌باشند.

شکل ۳: ضریب بارهای عاملی نهایی معرفهای پژوهش

### ضریب معناداری بارهای عاملی پژوهش

قدرت رابطه بین عامل (متغیر پنهان) و متغیر قابل مشاهده به وسیله بار عاملی نشان داده می شود. بار عاملی در حقیقت یک ضریب همبستگی بین متغیرهای مکنون و متغیرهای آشکار در یک مدل اندازه گیری است. این ضریب تعیین می کند که متغیر مکنون چقدر از واریانس متغیرهای آشکار را تبیین می کند و از آنجا که یک ضریب همبستگی است باید از نظر آماری معنادار باشد. معناداری بار عاملی با آماره  $t$ -value بررسی می شود. چون معناداری در سطح خطای ۰/۰۵ بررسی می شود بنابراین اگر میزان بارهای عاملی مشاهده شده با آزمون  $t$ -value از ۱/۹۶ کوچک تر محاسبه شود، رابطه معنادار نیست و سؤال مورد نظر باید از پژوهش حذف گردد.

شکل ۴: ضریب معناداری بارهای عاملی پژوهش

### آلفا کرونباخ، پایایی ترکیبی

در تحقیقاتی که از روش حداقل مربعات جزئی استفاده می شود، باید پایایی هم برای سازه ها و معرف ها محاسبه شود. پایایی سازه ها به وسیله دو ضریب آلفای کرونباخ و ضریب دیلون — گلدشتاین (ضریب ترکیبی) مورد بررسی قرار گرفته اند. مقدار قابل قبول برای این دو ضریب حداقل ۰/۷ است.

جدول ۴: پایایی سازه ها

متغیر	آلفا کرونباخ	پایایی ترکیبی
شکافهای فرهنگی اجتماعی	۰.۸۱۹۵۹۶	۰.۹۱۶۹۱
سیاستهای جمعیتی	۰.۹۸۴۴۳۳	۰.۹۹۲۲۶
سرمایه گذاری	۰.۹۶۳۴۳۳	۰.۹۸۲۰۴۴
ساختار اداری	۰.۸۲۸۴۶۶	۰.۸۸۰۳۶۴
نظام بودجه بندی	۰.۸۸۶۹	۰.۹۳۰۰۰۶

## روایی

نتایج روایی (روایی صوری که با نظر اساتید محترم انجام گرفت، متوسط واریانس استخراج شده، روایی واگرا: روش فورنل - لارکر).

## روایی صوری:

یک شاخص مقدماتی و حداقل از روایی محتوا، روایی صوری است. روایی صوری مواردی را که انتظار می‌رود یک مفهوم را اندازه‌گیری کنند، نشان می‌دهد. آن‌ها ظاهر مفهوم را می‌سنجند و به نظر می‌رسد مفاهیم را اندازه‌گیری می‌کنند. در روایی ظاهری در واقع بررسی می‌کنیم که آیا متخصصین تأیید می‌کنند که ابزار همان چیزی را که از آن استنباط می‌شود، می‌سنجد یا خیر. در این پژوهش روایی صوری با نظر اساتید محترم (اساتید راهنما و مشاور) انجام گرفت و پرسشنامه زیر نظر این اساتید تأیید شد. پس از آن - که اساتید محترم پرسشنامه را از لحاظ شکلی و محتوایی مورد تأیید قرار دادند پرسشنامه در میان نمونه آماری توزیع گردید.

روایی همگرا، متوسط واریانس استخراج شده:

برای ارزیابی روایی در مدل‌های حداقلی مربعات جزئی باید هم روایی همگرا و هم روایی واگرا را مورد محاسبه قرار داد. از متوسط واریانس استخراج شده (AVE) برای محاسبه روایی همگرا استفاده شده است. مقدار متوسط واریانس استخراج شده برای تمامی متغیرها بالاتر از ۰/۵ است که نشان‌دهنده روایی همگرا مناسب سازه‌ها است.

## جدول ۵: روایی سازه

متغیر	متوسط واریانس استخراج شده
شکافهای فرهنگی اجتماعی	۰.۸۴۶۵۸۹
سیاستهای جمعیتی	۰.۹۸۴۶۳۸
سرمایه گذاری	۰.۹۶۴۷۲۲
ساختار اداری	۰.۵۹۷۲۶۱
نظام بودجه بندی	۰.۸۱۵۹۱۹



معیار  $R^2$ 

$R$  معیاری است که برای متصل کردن بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل‌سازی معادلات ساختاری به کار می‌رود و نشان از تأثیری دارد که یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا می‌گذارد.

## جدول ۶: معیار R Squares

متغیر	R Squares
شکافهای فرهنگی اجتماعی	۰.۶۷۳۵۷۳
سیاستهای جمعیتی	۰.۰۹۳۱۷۲
سرمایه گذاری	۰.۸۵۶۵۱۷
ساختار اداری	۰.۶۹۳۰۱۴
نظام بودجه بندی	۰.۶۴۵۴۹۱
سیاستهای برنامه ریزی	۰.۷۳۳۵۳۱

میانگین ۰.۵۷۹۳

معیار  $Q^2$ 

این معیار که توسط استون و گیزر (۱۹۷۵) معرفی شد، قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌سازد. به اعتقاد آن‌ها مدل‌هایی که دارای برآزش بخش ساختاری قابل قبول باشند، باید قابلیت پیش‌بینی شاخص‌های مربوط به سازه‌های درون‌زای مدل را داشته باشند. بدین معنی که اگر در یک مدل، روابط بین سازه‌ها به‌درستی تعریف شده باشند، قادر خواهند بود تا تأثیر کافی بر شاخص‌های یکدیگر گذاشته و از این راه فرضیه‌ها به‌درستی تأیید شوند. معیار  $Q^2$  تنها برای سازه‌های درون‌زای مدل که شاخص‌های آن از نوع انعکاسی باشد محاسبه می‌گردد و در صورتی که مقدار آن در مورد یک سازه درون‌زا صفر یا کمتر از صفر شود، نشان از آن دارد که روابط بین سازه‌های دیگر مدل و آن سازه درون‌زا به‌خوبی تبیین نشده و در نتیجه مدل احتیاج به اصلاح دارد. هنسلا و همکاران (۲۰۰۹) در مورد شدت قدرت پیش‌بینی مدل در سازه‌های درون‌زا سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را تعیین نموده‌اند

که به ترتیب نشان از قدرت پیش‌بینی ضعیف، متوسط و قوی یک سازه در قبال شاخص‌های آن سازه دارد. جدول زیر مقادیر معیار Q2 را برای هر یک از متغیرهای درون‌زای مدل نشان می‌دهد.

جدول ۷: معیار Q2

سازه	Q <sup>2</sup>
شکاف‌های فرهنگی اجتماعی	۰.۵۶۱۸۹۷
سیاست‌های جمعیتی	۰.۰۹۰۸۰۱
سرمایه گذاری	۰.۷۵۴۴۹۱
ساختار اداری	۰.۳۹۹۸۹
نظام بودجه بندی	۰.۵۲۵۷۶۵
سیاست‌های برنامه ریزی	۰.۵۴۵۷۹۳

همانطور که در جدول ۴-۹ مشخص است سازه‌های مدل ارائه شده دارای قدرت پیش‌بینی قوی هستند

معیار GOF

معیار GOF مربوط به بخش کلی مدل‌های معادلات ساختاری است. بدین معنی که توسط این معیار، محقق می‌تواند پس از بررسی برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل کلی پژوهش خود برازش بخش کلی را نیز کنترل نماید.

جدول ۸: معیار COMMUNALITY

مقادیر اشتراکی	سازه
۰.۸۴۶۵۸۹	شکاف‌های فرهنگی اجتماعی
۰.۹۸۴۶۳۸	سیاست‌های جمعیتی
۰.۹۶۴۷۲۲	سرمایه گذاری
۰.۵۹۷۲۶۱	ساختار اداری
۰.۸۱۵۹۱۹	نظام بودجه بندی

مقادیر  $R^2$  را که در جدول ۴-۱۵ به دست آوردیم، سپس حاصل جمع مقادیر  $R^2$  را بر تعداد تقسیم می‌کنیم. در ادامه مقادیر COMMUNALITY را جمع کرده و بر تعداد تقسیم می‌کنیم تا مقدار  $\overline{(COMMUNALITY)}$  به دست آید. در بخش پایانی مقادیر حاصل از  $\overline{(COMMUNALITY)}$  و  $\overline{(R^2)}$  ضربدر هم کرده و جذر عدد به دست آمده را محاسبه می‌کنیم. عدد حاصل از این محاسبات بیان‌گر میزان برازش کلی مدل پژوهش می‌باشد.

$$GOF = \sqrt{(\overline{(COMMUNALITY)}) \times (\overline{(R^2)})}$$

$$GOF = \sqrt{(۰.۷۰۳۰ \times ۰.۵۷۹۳)} = ۰.۵۹۷۳$$

بنابراین طبق فرمول روبه رو مقدار GOF را محاسبه می‌کنیم، مقدار GOF به دست آمده برابر است با ۰/۵۹۷۳ که این نشان از برازش کلی قوی مدل را دارد.

بررسی ضرایب معناداری t-value

خروجی مدل نشان می‌دهد که ضریب معناداری بین فرضیه‌های پژوهش از دامنه  $\pm ۱/۹۶$  خارج است و این بدان معناست که تمامی متغیرهای پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ در نمونه آماری تأیید می‌شوند.

شکل ۵: ضریب معناداری t-value برای فرضیات پژوهش

بررسی ضرایب استاندارد شده مسیر

پس از بررسی معنادار بودن رابطه بین فرضیه‌های پژوهش، حال نوبت آن است که شدت این تأثیرات را بررسی نماییم.

فرضیه اول پژوهش

سیاست‌های برنامه‌ریزی در ایران بر شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی ناشی از توسعه نامتوازن در منطقه سواحل مکران تأثیرگذار است.

جدول ۹: ضرایب مسیر، آماره سی value- t فرضیه اول

توسعه نامتوازن	ضریب مسیر	آماره	نتیجه آزمون
سیاست‌های برنامه‌ریزی	شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی	۰/۶۶۹	۱۳/۳۰۲
تأیید فرضیه			
فرضیه دوم پژوهش			
نظام بودجه‌بندی بر شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی ناشی از توسعه نامتوازن در منطقه سواحل مکران تأثیرگذار است.			

جدول ۱۰: ضرایب مسیر، آماره سی value- t فرضیه دوم

توسعه نامتوازن	ضریب مسیر	آماره	نتیجه آزمون
نظام بودجه‌بندی	شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی	۰/۱۷۰	۳/۰۶۴
تأیید فرضیه			
فرضیه سوم پژوهش			
ساختار اداری بر شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی ناشی از توسعه نامتوازن در منطقه سواحل مکران تأثیرگذار است.			

جدول ۱۱: ضرایب مسیر، آماره سی value- t فرضیه سوم

فرضیه ۳	ضریب مسیر	آماره	نتیجه آزمون
ساختار اداری	شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی	۰/۷۷۶	۱۶/۱۹۲
تأیید فرضیه			
فرضیه چهارم پژوهش			
سرمایه‌گذاری بر شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی ناشی از توسعه نامتوازن در منطقه سواحل مکران تأثیرگذار است.			

جدول ۱۲: ضرایب مسیر، آماره سی value- t فرضیه چهارم

فرضیه ۴	ضریب مسیر	آماره	نتیجه آزمون
سرمایه‌گذاری	شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی	۰/۲۴۱	۲/۱۶۳
تأیید فرضیه			

سیاست‌های جمعیتی بر شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی ناشی از توسعه نامتوازن در منطقه سواحل مکران تأثیرگذار است.

جدول ۱۳: ضرایب مسیر، آماره  $t$ -value فرضیه پنجم

فرضیه ۵ ضریب مسیر	آماره	نتیجه آزمون
سیاست‌های جمعیتی تأیید فرضیه	شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی	۰/۳۰۷      ۲/۹۵۱

### نتیجه گیری

در قسمت آمار استنباطی، ابتدا پایایی که شامل ضریب بارهای عاملی، آلفا کرونباخ، پایایی ترکیبی و روایی همگرا شامل میانگین واریانس استخراج شده و روایی واگرا شامل روش فورنل ولارکر مورد بررسی قرار گرفت در ادامه به برازش مدل ساختاری از طریق معیار  $R^2$  و معیار  $Q^2$  بررسی شد و در نهایت به بررسی برازش کلی مدل از طریق معیار GOF پرداخته شد.

سواحل دریای عمان، یا بنا به تاکید رهبر انقلاب، سواحل مکران، عقبه منطقه خلیج فارس در برابر دشمنان فرامنطقه ای ایران به حساب می‌آید. اشراف و تاکید رهبر معظم انقلاب بر جایگاه استراتژیک دریا در توسعه و بسط اقتدار ملی، سابقه ای دست کم سی ساله دارد. در آذر ماه سال ۹۳، حضرت آیت الله خامنه ای تاکید کردند که مسئله آبادسازی سواحل مکران نیز جزو همین کارهای اساسی است که باید با همکاری دولت، برنامه های مورد نظر در این منطقه با سرعت بیشتری دنبال شود. سواحل مکران به عنوان یکی از نقاط کلیدی توسعه کشور به شمار میرود و تاکنون از این ثروت عظیم خدادادی در این منطقه به خوبی استفاده نشده است. اهمیت خلیج فارس را نمی توان نفی کرد اما ماندن در خلیج فارس ماندن در گذشته است و حرکت به سوی توسعه، پیشرفت و امنیت در گرو توجه ویژه به سواحل مکران است. بسیاری از کشورهای حوزه خلیج فارس دیگر اتکایی به درآمدهای نفتی و گازی برای اداره کشورهایشان ندارند و بیشتر اتکایشان به گردشگری، صنعت هوایی و تجارت دریایی و بندری است. سواحل مکران " یکی از سواحل راهبردی جنوب تا جنوب شرق ایران است که در توسعه اقتصادی و سیاسی و .. نقش مهمی دارد. لذا محققین در این مقاله با توجه به نقش بسیار مهم سواحل مکران و وجود کریدور شمال، جنوب؛ بر اهمیت توجه به این منطقه و تاکید بر نقش این منطقه

در ابعاد امنیتی، دفاعی و اقتصادی و تاثیر این ابعاد در پیشرفت و توسعه کشور تاکید دارند.

افزایش سرعت، تجارت و ترانزیت، افزایش حجم مبادلات کالا بین هند و پاکستان و کشورهای حاشیه اقیانوس هند با کشورهای روسیه و آسیای مرکزی، بهبود وضع معیشتی مردم شرق کشور از جمله استان سیستان و بلوچستان و شهر چابهار از طریق ترانزیت کالا به کشورهای همسایه (افغانستان، پاکستان، آسیای میانه) از طریق اتصال محور ترانزیتی شرق-غرب و همکاری مناسب بنادر ایرانی با بنادر روسیه و قزاقستان می‌باشد. (دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار، ۱۳۹۱، ۳). ایران در گذرگاه میانی مسیر این کریدور که از هندوستان و آبهای آزاد جنوب از طریق خاک ایران به روسیه و شمال اروپا امتداد می‌یابد قرار دارد و از امکانات حمل و نقل چند وجهی و مبادی دریایی برخوردار است. کریدورهای رقیب کریدور شمال-جنوب گذرنده از کشور، کریدور دریایی سوئز و مسیر زمینی عبوری از کشورهای شرق ایران میباشند.

کریدور شمال-جنوب مزایای زیادی دارد منجمله:

کاهش فاصله و زمان سیر کالا از اروپا به حوزه خلیج فارس و جنوب آسیا

دسترسی استراتژیک روسیه به آبهای آزاد اقیانوس هند

ایجاد زمینه مناسب برای همکاری بیشتر کشورهای مسیر

کاهش وابستگی کشورهای جنوبی آسیا به ترانزیت و تجارت از طریق کانال سوئز

پاکستان در محدوده ۲۰ تا ۲۳ تا ۱۰ تا ۳۷ درجه عرض جغرافیایی و ۵۰ تا ۶۰ تا ۴۵ درجه طول شرقی جغرافیایی واقع شده است و مدار راس السراطان از جنوب آن میگذرد. از شمال با کشور افغانستان و از جنوب غربی با جمهوری اسلامی ایران و از طرف شمال شرق با کشور چین و از شرق با هندوستان همسایه است. پاکستان در منتهیالیه بخش جنوبی آسیا و مشرف به دریای عمان واقع شده و دسترسی به آن دریا و اقیانوس هند موقعیت ویژه ای برای این کشور میباشند. پیوندهای دوستانه و سنتی دو کشور انگیزه ی پیدایی گونه ای فضای بدون تنش در کرانه های شمالی دریای عمان شده، به گونه ای که ایجاد مکانیزم های بایسته برای ادامه ی این جایگاه و نگه داری امنیت شمال دریای عمان از سودهای انبار (مشترک) دو کشور در این پهنه است.

سلطان نشین عمان در منتهیالیه شرق و جنوب شرقی شبه جزیره عربستان واقع است. این سرزمین به صورت یک کمربند ساحلی در حد فاصل بین ربع الخالی و دریای عرب قرار دارد. موقعیت جغرافیایی عمان شرایط طبیعی خاصی را بوجود آورده است. هوای

این سرزمین باتوجه به وسعت سرزمین متنوع است در سواحل گرم و سوزان میباشد و همراه با رطوبت است .

مناطق جنوبی که کوهستانی میباشد، هوا معتدل و گرم است . سرزمین عمان از دو قسمت جنوبی و شمالی تشکیل یافته است . شبه جزیره مسندم در شمال و ظفار در جنوب آن و چندین جزیره کوچک در دهانه هرمز و چند جزیره در دریای عرب قرار دارد.

#### منابع

۱. ابراهیمی، عبدالحمید، ۱۳۷۶، «تاثیر صنعت جهانگردی بر متغیرهای اقتصادی، محیطی، فرهنگی و اجتماعی ایران»، مجموعه مقالات نخستین همایش جهانگردی و جمهوری اسلامی ایران، جلد ۱، کیش.
۲. احسانی، محمد، ۱۳۸۳، نقدی بر راهبردهای بازاریابی برنامه ملی توسعه گردشگری، مجله علوم سیاسی، مجلس و راهبرد، شماره ۴۴، صص ۱۲۰-۷۷.
۳. اردستانی، محسن، ۱۳۸۷، مبانی گردشگری روستایی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۴. اردکانی، سعید، ۱۳۸۲، کاربرد مفاهیم چرخه عمر گردشگری و ظرفیت تحمل پذیری در توسعه گردشگری، فصلنامه مطالعات جهانگردی، شماره ۲، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
۵. ازکیا، مصطفی، ۱۳۶۵، جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی در ایران، اطلاعات، تهران.
۶. استعلاجی، علی رضا، ۱۳۸۶، نظریه های توسعه، جزوه درسی دوره کارشناسی ارشد، تهران.
۷. اسمیت، آلفرد جی، ۱۳۷۹، ارتباطات و فرهنگ، ترجمه مهدی بابایی اهری، سمت، تهران.
۸. افتخاری، عبدالرضا رکن الدین، قادری، اسماعیل، ۱۳۸۱، نقش گردشگری در توسعه روستایی (نقد و تحلیل چهارچوب های نظری)، دانشگاه تربیت مدرس، مجله مدرس، دوره ۶، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱، تهران.

۹. افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین، مهدوی، داوود، ۱۳۸۴، راه کارهای توسعه گردشگری روستایی با استفاده از مدل SWOT. دهستان لواسان کوچک، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۱۰. اوکلی، پیترو، مارسدن، دیوید، ۱۳۷۰، رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی، ترجمه منصور محمدنژاد، جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، تهران.
۱۱. ایندینگتن، جی.ام، ۱۳۷۴، اکوتوریسم، ترجمه اسماعیل کهرم، سازمان حفاظت محیط‌زیست.
۱۲. آسایش، حسین، ۱۳۷۴؛ اصول و روشهای برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده پیام نور.
۱۳. آسایش، حسین، قنبری، نوذر، ۱۳۸۵، مقدمه‌ای بر اقتصاد روستایی ایران، انتشارات طاق بستان، کرمانشاه.
۱۴. البوت، جیمز، ۱۳۷۹، مدیریت توریسم، ترجمه مهدی جمشیدیان و اکبر مهدی‌پور عطاآبادی، انتشارات مانی، اصفهان.
۱۵. باسره، روح‌ا...، منشی‌زاده، رحمت‌ا...، ۱۳۸۷، توریسم روستایی پایدار و محیط زیست روستا، اولین همایش ملی محیط زیست روستا و حفاظت از آن، تهران.
۱۶. بدیعی، ربیع، ۱۳۷۲، جغرافیای مفصل ایران، انتشارات اقبال، تهران.
۱۷. بونی فیس، پریسیلا، ۱۳۸۰، مدیریت گردشگری فرهنگی، ترجمه محمود عبدالله زاده، دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران.
۱۸. بهزادنسب، جانعلی، ۱۳۸۶، درآمد بر فرهنگ جامع توسعه روستایی، انتشارات قلمستان هنر، تهران.
۱۹. بیک محمدی، حسین، ۱۳۷۹، «نگرش نو بر آثار اقتصادی توسعه جهانگردی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۵۸-۱۵۷.
۲۰. پاپلی یزدی، حسین، ابراهیمی، محمدمیر، ۱۳۸۵، نظریه‌های توسعه روستایی، انتشارات سمت، تهران.
۲۱. پاپلی یزدی، محمدحسین، سقایی، مهدی، گردشگری (ماهیت و مفاهیم)، ۱۳۹۰، انتشارات سمت، تهران.



۲۲. پدریان، مرتضی، ۱۳۷۴، «اثرات اقتصادی و فرهنگی توریسم»، مقالات برگزیده سمینار اصفهان و جاذبه‌های ایرانگردی و جهانگردی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی اصفهان.
۲۳. پوریا، پیروز، ۱۳۷۳، «مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی جهانگردی»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۴۵-۴۶.
۲۴. پوریانزاد، فرهاد، ۱۳۷۶، «جغرافیا و جهانگردی در تمدن اسلامی»، مجموعه مقالات نخستین همایش جهانگردی و جمهوری اسلامی ایران، جلد سوم، کیش، اسفندماه.
۲۵. ترنر، جلناتان. اچ، ۱۳۷۸، مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی، ترجمه محمد فولادی و محمد عزیز بختیاری، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۶. تودارو، مایکل، ۱۳۶۸، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجاد، انتشارات سازمان برنامه و بودجه تهران
۲۷. جمعه‌پور، محمود، ۱۳۸۹، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی: دیدگاه‌ها و روش‌ها، انتشارات سمت، تهران.
۲۸. جوان، جعفر، ۱۳۸۳، نقش گردشگری روستایی در توسعه منطقه‌ای، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره دوم، مشهد.
۲۹. خادم آدم، ناصر، ۱۳۶۷، سیاست‌های اقتصادی کشاورزی در نظام‌های مختلف و ایران، نشر پیشبرد، تهران.
۳۰. داس‌ویل، راجر، ۱۳۷۹، ترجمه سیدمحمد اعرابی و داود ایزدی، مدیریت جهانگردی، مبانی و راهبردها، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
۳۱. دانه کار، افشین، ۱۳۸۴، طرح مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی کشور (راه طی شده و چشم‌انداز آینده)، مجله علمی، تخصصی و تحقیقاتی بندر و دریا (ویژه نامه مناطق ساحلی یکپارچه کشور) سال بیستم، شماره ۱۲۷.